

آينه



اداره کشور ۲ مجلس می‌خواهد

● **در گفت‌وگو با محمدرضا باهنر**: ... در دی‌ماه سال گذشته کشور ما با ناآرامی‌هایی همراه بود... نکته جالب این بود که در تحلیل‌های ما مشخص شد که از دی‌ماه سال ۹۵ تا دی‌ماه سال ۹۶ تریبون‌های رسمی نظام به شکل‌های مختلف ناکارآمدی و ناهمبیدی را در بین مردم تزریق کرده‌اند و همین مسئله در ناآرام‌کردن فضای جامعه نقش داشته است... بنده از گفت‌وگویی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان استقبال کردم... بدون‌شک موفقیت دولت به معنای موفقیت نظام و شکست آن نیز مانند شکست نظام است. در شرایط کنونی برخی عنوان می‌کنند رئیس‌جمهور باید تغییر کند و دولت جدیدی روی کار بیاید. بنده به‌هیچ‌عنوان با این سخن موافق نیستم... با یک مجلس نمی‌توان کشور را اداره کرد و ما به دو مجلس نیاز داریم. در شرایط کنونی نمایندگان مجلس به دنبال مطالبات منطقه‌ای، قومی، جنسیتی و قشری هستند و آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد منافع ملی است. به همین دلیل نیز قانون اساسی باید اصلاح شود و دو مجلس سنا و شورای اسلامی در کنار هم تشکیل شود... دموکراسی و مجلس از غرب وارد ایران و اسلام شده است. بنده حتی معتقد هستم دو مجلس نیز نمی‌تواند به تنهایی مشکلات کشور را حل کند، بلکه مجلس نیز باید متکی بر نظام حزبی باشد... وضعیت دولت پنهان نیز باید مشخص شود. اگر قرار است ساختارها و رویکردهای اصلاح شود باید عملکرد همه نهادهای متفاد باشد و نهادهای نسبت به عملکرد خود پاسخ‌گو باشند. در شرایط کنونی ما به سه چالش مهم در اصلاح ساختارهای سیاسی کشور مواجه هستیم که این چالش‌ها شامل اشکالات ساختاری، رویکردی و عملکردی می‌شود... دولت آقای روحانی دارای تدبیر لازم است اما از شجاعت کافی برخوردار نیست. آقای روحانی گمان می‌کردند همه مشکلات کشور با برجام حل می‌شود. به همین دلیل نیز همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد برجام قرار دادند. بننده در دولت آقای احمدی‌نژاد عنوان کردم تنها ۳۰ درصد مشکلات کشور به تحریم‌های بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند و بقیه آن به ناکارآمدی داخلی مربوط است... برخی از مدیران دولت عنوان کرده‌اند که ما مدیر زمان بحران نیستیم، بلکه مدیر زمان عادی هستیم. به نظر من آقای روحانی نباید یک روز هم چنین مدیرانی را در دولت نگه دارد و اجازه بدهد دولت را ترک کنند.

روشنفکران

سیگنال بازار دوم به سکه و دلار

به گفته فعالان، عامل اصلی زمینه‌ساز تغییر روند قیمتی در بازار سکه، افت قیمت دلار در بازار آزاد غیررسمی بود. روز دوشنبه، قیمت دلار تا ساعت چهار بعدازظهر تا محدوده هشت‌هزار و صد تومان عقب‌نشینی کرده بود و برخی معامله‌گران تصور می‌کردند تا ساعات پایانی روز افت قیمت ادامه داشته باشد. به گفته فعالان، انتشار خبری مبنی‌بر آغاز به کار بازار ثانویه ارز مالمی بود که خریداران بازار ارز را عقب برد. خبرها حاکی از آن است که رئیس‌جمهور با تشکیل بازار دوم ارز موافقت کرده است و از هفته آینده آغاز به کار خواهد کرد.

ایران

روشنفکران ایران برنامه‌ای برای توسعه نداشتند

در گفت‌وگو با امیر ناظمی: ... تا پیش از انقلاب اسلامی می‌توان سئو سل روشنفکران ایرانی را شناسایی کرد. نسل اول، روشنفکران دوره نهضت مشروطه هستند... موضوع اصلی آنان، توسعه بود. می‌پرسیدند «چرا کشور من توسعه پیدا نکرد و دیگر کشورها توسعه پیدا کرده‌اند؟» ویژگی مشترک دیگر آنان این بود که در سفر به غرب دچار حیرت شدند و این حیرت پرسش‌هایی را در آنان ایجاد کرد... اما در سال ۱۳۰۴ یعنی زمانی که رضاخان به رضاشاه ارتقا یافت، می‌توانیم نسل دوم روشنفکران را ردیابی کنیم. در این دوره که تا ۱۳۳۰ ادامه دارد، روشنفکرانی می‌بینیم که برخلاف نسل اول، اپوزیسیون دولت نیستند، بلکه درون حاکمیت هستند. محمدعلی فروغی یا علی‌اکبرخان داور، اساسا حاکمیت را بازسازی می‌کنند... این دسته، به جای اینکه فعالان دولت یا عموم جامعه را مخاطب قرار دهند، نقش خود را درون حاکمیت تعریف می‌کنند... دغدغه نسل دوم روشنفکران هم همچنان از جنس توسعه است، اما راه‌حل‌های آنان با راه‌حل‌های نسل اول متفاوت است... نسل سوم روشنفکران که مهدی‌بازرگان مطرح آن است... به دلیل آنکه قریب‌به‌اتفاق آنان مهندسی و پزشکی می‌خواند، نگاه‌شان به مسائل اجتماعی و سیاسی بسیار ساده‌انگارانه می‌شود. دغدغه بازرگان، دین است و نه دغدغه توسعه... پرسش مهدی‌بازرگان این نیست که چگونه توسعه پیدا کنیم، بلکه می‌پرسد چگونه دین خود را در مقابل توسعه حفظ کنیم؟ ... از دهه ۴۰ به بعد که تکنوکراسی در ایران اوج می‌گیرد، می‌بینیم که دغدغه روشنفکران نیز بیشتر بر دین یا ناب‌خوردارها تمرکز دارد... جا دارد در نسل سوم روشنفکران به دو پایه اصلی روشنفکری ایرانی توجه شود. از یک سو... یک چرخش به سمت چپ دارد... پایه دوم دیدگاه‌هایی بودند که نطفه‌های روشنفکری دینی را بنا نهداند. اما هر دو گروه در مسئله نادیده‌انگاشتن مسئله توسعه مشابه هم بودند.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

تکذیب اعطای تابعیت آمریکا به ۲۵۰۰ ایرانی در جریان برجام

ادعای بی‌سند «ذوالنور»

رئیس کمیسیون امنیت ملی: آقای ذوالنور هیچ سندی در این باره ندارد؛ بحث دروغی بود که دستاویز دروغگوی بزرگ‌تری شد



مجتبی ذوالنور در حال آتش‌زدن عکس برجام/ عکس مجتبی ذوالنور

دوتابعیتی‌ها تنها کاری بود که در مورد دوتابعیتی‌ها در مجلس انجام شده و حدود صد نفر را شامل می‌شود و از این میان حداکثر ۱۰ نفر از آنها تابعیت مضاعف آمریکایی داشتند که رقم ناچیزی در بین مدیران کشور است». فلاح‌تپیشه در ادامه با بیان اینکه ۱۰ نفر دارای تابعیت مضاعف آمریکایی قبل از برجام هستند، اظهار کرد: «آمار اعطای دوهزار و ۵۰۰ گرین‌کارت و حق شهروندی به مقام‌های ایرانی در جریان مذاکرات برجام کذب محض است و از طرح چنین مباحثی در شرایط کنونی متأسف هستیم».

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری درباره دیپلمات‌ها و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان بیان کرد: «ما به پاک‌دستی دیپلمات‌های ایرانی ایمان داریم و معتقدیم این افراد امانتداران سیاست خارجی کشور بوده و در برجام هم زحمات بسیاری کشیدند. کمابینکه مقام معظم رهبری هم از سیاست خارجی و دیپلمات‌های ایرانی در جریان مذاکرات برجام بارها قدردانی کردند». نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «این موضوع و بیان دروغی بزرگ توسط ترامپ با هدف تخریب وجهه بین‌المللی کشورمان صورت می‌گیرد و نباید در داخل به این وضعیت دامن زده شود». او با رد برخی اظهارات مطرح‌شده مبنی بر اثبات موضوع دوهزار و ۵۰۰ مدیر دوتابعیتی در ماجرای تحقیق و تفحص مجلس شورای اسامی، گفت: «در موضوع دوتابعیتی و در جریان تحقیق و تفحص اصلا چنین موضوعی مطرح نشده است، دیپلمات‌های ایرانی با شان بالا و ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد توافق کرده‌اند، این موارد تنها از طرف ترامپ مطرح می‌شود تا شان برجام را از زیر سؤال ببرد. ترامپ برای توجیه نقض عهدهی که در عرصه دیپلماتیک به آمریکا ضربه زد، دست به چنین کارهایی می‌زند اما نکته مهم اینجاست که ما در داخل کشور نباید با برخی رفتارها و گفتارهای نسنجیده به این وضع دامن بزنیم». او ادامه داد: «من با آقای ذوالنور هم در این باره صحبت کردم، ایشان هرگاه سندی در این باره ندارند، دروغی بود که همان‌طور که عرض کردم دستاویز دروغگوی بزرگ‌تری شد».

واکنش همکاران کری و اوباما

اما در آمریکا هم این موضوع با واکنش‌هایی مواجه شد. درحالی‌که سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا آن را به یک وزارتخانه دیگر ارجاع می‌دهد، دو مقام همکار دولت اوباما، به‌شدت این اتفاق را تکذیب کردند. ایلنا به نقل از پایگاه خبری حمت‌الله فلاح‌تپیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفت‌وگو با پانا گفت: «ماترپ بر اساس دروغ‌سازی‌ها سعی می‌کند سیاست ضد ایرانی را پیش ببرد و متأسفانه برخی دروغ‌ها داخل ایران منتشر می‌شود. تحقیق و تفحص از شهروندی اعطا کرده است».

واکنش آقای رئیس

روپای امروز بی‌شک در یکی از سخت‌ترین دوران خود به سر می‌برد که از جهات خاصی یادآور فیلم «رم، شهر بی‌دفاع» است. از سویی مسئله بزرگ‌تر به آینده اتحادیه اروپا سایه افکنده و از سویی دیگر موضوعی مانند جداسدن کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه، ناتو را در شرایط جدید و حساسی قرار داده است؛ به علاوه آنکه در این روزها جنگ تجاری آمریکا علیه اروپا مانند تعرفه‌های فولاد و ماشین، اقتصاد اروپا را تحت فشار قرار داده است. مشکلات اروپا به اینجا ختم نمی‌شود؛ زیرا علاوه بر شکافی که بین قاره سبز و متحد کلاسیکی اروپا یعنی آمریکا به وجود آمده است، خود کشورهای اروپایی نیز بر سر مواردی مانند موضوع پناهجویان بر سر اختلاف افتاده‌اند که شاید مشهودترین نمونه آن، تقابل فرانسه و ایتالیا در هفته‌های گذشته بود. این در حالی است که خود کشورهای اروپایی نیز در داخل با مسائلی مانند بحران سیاسی در آلمان یا ریاضت اقتصادی در فرانسه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. موضوع حائز اهمیت دیگر، به‌عنوان یکی از عرصه‌هایی که اروپا برای نشان‌دادن استقلالش به آن نیازمند است، برجام است. برجام با تمام فرازوفروشد، در ایستگاهی قرار گرفته که حیاتش وابسته به تضمین‌های عملی اتحادیه اروپاست؛ اما سؤال اصلی این است که با وجود شرایط سخت امروز اتحادیه اروپا، این اتحادیه تا چه حد شریط حفظ برجام را دارد؟ با وجود اینکه اروپایی‌ها در ماه‌های گذشته،

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، با به‌روزرکردن قوانین مسدودکننده تا حدی آن را برای شرایط کنونی آماده کرده‌اند؛ اما سیاست‌های مسدودکننده اروپا تا حد مشخصی می‌تواند شرایط تحریمی آمریکا را تعدیل کند؛ چراکه برای مثال در قوانین جدید، بندی وجود دارد که بعضی از شرکت‌های اروپایی را از مقابل تهدیدات مالی آمریکا بیمه می‌کند که این موضوع هزینه‌هایی برای اتحادیه اروپا در پی خواهد داشت؛ به علاوه آنکه اروپای امروز همان‌گونه که گفته شد، با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه است و با توجه به سیاست‌های یک‌جانبه‌گرانه آمریکا در وضع تعرفه‌ها، بر سختی شرایط اروپا افزوده خواهد شد. سؤال بسیار مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که ایران باید چه نقشی را در مقابل اتحادیه اروپا ایفا کند؟ برای این سؤال مهم دو سناریو کلی می‌توان طرح کرد که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد. اول آنکه ایران واکنشی تند و سریع در برابر اتحادیه اروپا و آمریکا از خود بروز دهد که شامل عملی‌کردن همه تهدیداتی است که برای جلوگیری از فرار طرف آمریکایی در اجرای تعهداتش قبل از نقض توافق از سوی ایران مطرح شده است؛ این می‌تواند در تحلیل نهایی هزینه و فایده، بیشترین هزینه را به کشورمان وارد کند؛ اقداماتی مانند، خروج از برجام به‌طور کامل، آغاز سریع فعالیت‌های هسته‌ای با تأکید بر غنی‌سازی بیش از ۲۰ درصد در ضرب‌الاجل‌های

کوتاه‌مدت و خروج از پروتکل الحاقی یا در نهایت خروج از ان‌پی‌تی. بروز یک واکنش تند، اصولا دربردارنده منفعت خاصی نخواهد بود؛ اما می‌تواند اقتدار و صلابت کشورمان را با درنظرگرفتن هزینه‌های آن به نمایش درآورد؛ به علاوه، این سناریو می‌تواند احتمال ایجاد توازن احتمالی به نفع ایران را از بین ببرد و بدون هیچ استفاده تبلیغاتی، در نهایت ایران را در موضع پابین‌تر قرار دهد و توان ائتلاف‌سازی ایران را به‌طورکلی غیرممکن کند و تمام تلاش‌های اتحادیه اروپا را در این چند ماه اتفاق افتاده است، یکبارہ از بین برده و طرف اروپایی را از توانایی رسیدن به یک شرایط متوازن دلسرد کند. همان‌طور که از این سناریو برمی‌آید، این سیاست اصلا منطقی نیست؛ به علاوه اینکه اگر قرار بود ایران مانند آمریکا به یک‌جانبه‌گرایی روی بیاورد، بهتر بود همان روزهای اولیه خروج آمریکا از برجام این کار را می‌کرد.

سناریو دوم که سناریویی خردمندانه و محتاطانه است، می‌تواند این باشد که با پایان یافتن ضرب‌الاجل تعیین‌شده، ایران با بررسی بسته پیشنهادی اروپا و در صورت معقول‌بودن آن، با توجه به شرایط کنونی اروپا، این بسته را بپذیرد و حیات برجام را حفظ کند. این سناریو مزایا و معایبی دارد؛ از منافع آن این است که می‌توان از نقض فاشش و آشکار آمریکا حداکثر بهره‌برداری سیاسی، حقوقی و تبلیغاتی را برد؛ به علاوه اینکه می‌توان از انشقاق میان اروپایی‌ها

برای این دست از نمایندگان که تلاش داشتند برجام را تخریب کنند پیروزی بزرگی بود تا از آن بهره‌برداری داخلی مدنظرشان را بکنند اما برخی از آنها، این اتفاق را آغاز کار دانستند و آتش توبیخانه را افزودند. آقای ذوالنور این هفته، موضوع تابعیت فرزندان مسئولان دولت را بدون هیچ سندی ارائه کرد اما او موتور محرک گزارش کمیته تحقیق و تفحص مجلس از دوتابعیتی‌ها هم بود. اواخر اردیبهشت گزارشی در این زمینه منتشر شد که مدعی بود «طی دو سال گذشته ۲۱۰ مدیر دوتابعیتی در نظام شناسایی شده است». اما وزارت اطلاعات در واکنش به این گزارش اطلاعات آن را با آنچه وزارت اطلاعات ارائه کرده متفاوت دانست و اعلام کرد «... در گزارش این وزارتخانه تأکید شده بود که طی دو سال گذشته از ۱۹حوزه‌ای که استعلام شده بود، تعداد ۲۱۰ نفر به دلیل دوتابعیتی، اقامت از نوع گرین‌کارتی، رد صلاحیت شده‌اند و در ادامه به پنج حوزه اشاره شده بود...». این گزارش با واکنش افرادی که نامشان رفته بود، مواجه شد اما همه چیز نشان‌دهنده این است که آقای ذوالنور به شدت نگران فرزندان مسئولان دولتی و اقامت آنها در ایران با نقطه دیگری از جهان است.

شنکایتی مطرح نیست

اگرچه اظهارات آقای ذوالنور بن‌مایه گزارش فاکس‌نیز و توییט ترامپ شد اما همکارانش در مجلس تصمیم‌گیرنده موضوع را جمع‌کنند. چه آنکه اگر دیگری از جناح مقابل چنین لقمه دلجسی برای خارجی‌ها می‌گرفتند، حتما با واکنش تند همین طیف مواجه می‌شدند. اما محمود جواد جمالی، سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان در این مورد به ایسنا گفته «تاکنون شنکایتی از مجتبی ذوالنور، نماینده قم در مورد ادعایش به این هیئت ارائه نشده است، از همین رو، هیئت نظارت نمی‌تواند راسا وارد بررسی پرونده‌ای شود؛ به عبارت دیگر هیئت نظارت نقشی برای خود به عنوان دیده‌بانی شرایط قائل نیست». فلاح‌تپیشه رئیس کمیسیون که ذوالنور عنوان است نیز گفته موضوع در این حد نیست که در کمیسیون بررسی شود، یک موضوع کاملاً دروغ و کذب محضی است که مطرح شد، رئیس‌جمهوری آمریکا هم بنیان مطالبش درباره ایران بر مبنای دروغ است، این موضوع هم مانند سایر موضوعات مطرح‌شده صحت ندارد. اما خبرگزاری برنا، موضع جدی‌تری در قبال آقای ذوالنور گرفته است. این خبرگزاری که متعلق به وزارت ورزش و جوانان است، نوشته «... حالا اما موضوع فرق می‌کند، ذوالنور یک ادعایی کرده و ترامپ هم آن را نوشته، این دیگر آن فکند خراب مجلس نیست که روشن‌نشدنش در جریان آتش‌زدن برجام به سوزه طنز تبدیل شود، این ادعا، اعتماد مردم را نشانه گرفته و کلیت جمهوری اسلامی را در مظان اتهام قرار داده، آقای ذوالنور یا اسنادی دارد که این اتفاق رخ داده و موظف است آن را منتشر کند تا مسبین آن مجازات و کسانی که از این امکان استفاده کرده‌اند برکنار شوند یا سندی ندارد که باید از مجلس استعفا دهد، اینکه یک نماینده مجلس با سوءاستفاده از رای مردم به اعتماد آنها خیانت کند نه‌تنها بخشودنی نیست بلکه مستحق برخورد جدی است».

اواخر فورودین که موضوع فیلترشدن تلگرام از سوی کمیسیون امنیت ملی رسانه‌ای شده بود، آقای ذوالنور در اظهارنظری می‌گوید که این سناریو «برخی مسئولان تأمین‌کننده خوراک برای رسانه‌های بیگانه هستند». این بار کوزه‌گر در کوزه افتاده است.

و آمریکایی‌ها در جنگ تجاری نیز بهره برد. امکان اقدام وفق ماده ۳۶ توافقی نیز از دیگر مزایای این سناریو است؛ اما درخشان‌ترین برداشتی که می‌توان از این سناریو داشت، موجه‌کردن بیشتر موضوعات غیربرجامی است که این موضوع ایران را به برنده سیاسی و حقوقی در عرصه بین‌الملل تبدیل و به موازات آن، تصویرسازی از ایران به‌عنوان کشوری باغی و تهدیدآمیز از سوی ائتلاف آمریکایی–اسرائیلی را ناکام خواهد کرد. البته بررسی منافع و معایب اقتصادی این سناریو کمی پیچیده‌تر است؛ اساسا حدود و میزان زیان‌های وارده به ایران بستگی زیادی به محتوای تصمیم ترامپ و اجرای تحریم‌های ثانویه (شامل تحریم‌های نفتی و بانکی مانند آسیا، سیدسا و کانسا و...) و از طرفی تعدیل‌های موردی آمریکا با کشورهای غیراروپایی دارد. از طرف دیگر، از میزان شوک اقتصادی و تجاری که به کشور وارد آمده، با پیگیری این سناریو که جان‌مایه آن واکنش‌نشان‌ندادن است، می‌تواند این سودی ایران است، کاسته خواهد شد. بااین‌حال این سناریو معایب سیاسی‌ای در داخل کشور دارد؛ چراکه اگرچه این گزینه می‌تواند در شرایط اعمال تهدیدات حداکثری از طریق کمک به افزایش نقش و وزن سایر بازیگران در کنار تأیید کشورمان، در نهایت با استفاده حداکثری از سوی ایران به پایان برسد، ولی از منظر برخی از جریان‌های داخلی، بهترین موضع‌گیری نیست.

روزنه

لاوروف: خروج ایران از سوریه غیرواقع‌بینانه است

● «درخواست برای خروج ایران از سوریه رویکردی بسیار ساده‌انگارانه است». این را روز گذشته سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، گفته است. به گزارش «ایسنا» به نقل از خبرگزاری سوریه درخواستی غیرواقع‌بینانه است.روز دوشنبه، جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا، در گفت‌وگو با شبکه «سی‌بی‌اس‌نیز» با بیان اینکه دیدار رؤسای‌جمهور آمریکا و روسیه در هلسینکی تنها با حضور ترامپ و پوتین انجام خواهد شد، گفت این نشست روی آینده سوریه و پیشنهاد به مسکو برای کمک به خروج ایران از سوریه متمرکز است. به گزارش «ایسنا»، بولتون همچنین گفته: «آمریکا دست از لفاظی‌های خود برای مخالفت با بنشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، برداشته است. من فکر نمی‌کنم که اسد مسئله‌ای استراتژیک است، از نظر من ایران مسئله‌ای استراتژیک است. این امکان وجود دارد که گفت‌وگوهای بیشتری برای کمک به خروج نیروهای ایران از سوریه و بازگرداندن آنها به خانه‌شان انجام شود که یک گام بزرگ خواهد بود». قبل از این، آخرین روز اردیبهشت‌ماه، در دیدار بنشار اسد با ولادیمیر پوتین درباره حضور نیروهای ایرانی در سوریه گفت‌وگو شده بود. یک روز بعد از این دیدار «الکساندر لاورنتیف» درباره مهم‌ترین بخش گفت‌وگوی پوتین و اسد در درباره خروج نیروهای خارجی از سوریه بود، توضیح داد. خبرگزاری «ایترفکس» به نقل از «لاورنتیف» گزارش داده است: «بیانه پوتین درباره خروج نیروهای خارجی از سوریه به نیروهای آمریکا، ایران، ترکیه و حزب‌الله مربوط می‌شود». به گزارش «فارس»، لاورنتیف گفته است: «روسیه آماده است هم‌زمان با بانیات‌شدن اوضاع در سوریه، فقط دو پایگاه خود را در این کشور حفظ کند». اما مقامات ایرانی به این گفته واکنش نشان داده و گفتند که حضور نیروهای ایرانی در سوریه به دعوت دولت قانونی سوریه است و تا پایان ترویرست‌ها در منطقه در آنجا خواهند ماند، اما بعد از مدتی ظاهرا مقامات روسی تغییرموضع دادند؛ طوری که «واسیلی نینزبا»، نماینده روسیه در سازمان ملل، با تأکید بر اینکه حضور ایران در سوریه مشروع و طبق قوانین بین‌المللی است، گفت: «ایران به سوره دو عضو قانونی سازمان ملل هستند و ایران بنا به درخواست دمشق در سوریه حضور دارد». «میخائیل بوگدانوف»، معاون وزیر امور خارجه روسیه، هم اعلام کرد که تعداد نیروهای ایران در سوریه بسیار محدود و حضور آنها با هدف مبارزه با تروریسم است. او تأکید کرد: «من می‌دانم که نیروهای ایرانی در سوریه نیستند، بلکه مستشارانی هستند که تعداد آنها مشخص نیست، اما به عقیده من بسیار اندک هستند».

سفارت ایران در کابل

تکذیب آموزش نظامی ایران به نیروهای طالبان

● سفارت ایران در کابل ادعای آموزش‌های نظامی توسط ایران به نیروهای طالبان را تکذیب کرد و بر کمک به تقویت صلح و استقرار ثبات در افغانستان تأکید کرد. به گزارش «ایسنا» سفارت ایران در کابل ضمن تأکید بر این نکته که تروریسم و افراط‌گرایی تهدیدی مشترک برای همه کشورها است، تلاش و همکاری جمعی برای مقابله با چنین تهدیدی را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر دانسته و مانند گذشته تعهد دولت متبوع خود برای کمک به تقویت صلح و استقرار ثبات در کشور دوست و همسایه افغانستان را یادآوری می‌کند.روز سه‌شنبه هفته‌نامه «تایمز» در گزارشی نوشته بود که هم‌زمان با افزایش تنش با واشنگتن، نفوذ ایران در افغانستان رو به افزایش است. به گزارش تایمز چاپ لندن، مقامات افغانستان و طالبان مدعی هستند که صدها جنگجوی طالبان در حال آموزش پیشرفته نظامی در خاک ایران هستند و هم‌اکنون بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ عضو طالبان در مراحل مختلف سرگرم آموزش نظامی هستند. بنابر ادعای تایمز، یک منبع آگاه گفت که مذاکرات میان آنها در بهار سال جاری (میلادی) زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا در حال بررسی خروج از توافق هستند بود، آغاز شد. سفارت ایران در کابل گفته است: به نظر می‌رسد هدف از طرح این قبیل اتهامات غیرواقعی و غیرمستند به‌راهِانداختن جنگ روانی در میان افکار عمومی افغانستان و آسیب‌زدن به روابط حسنه فیما بین دولت‌های ایران و افغانستان باشد. لازم است که این رسانه‌ها به جای طرح اتهامات بی‌اساس به کشورهای همسایه افغانستان که امنیت آنها به ثبات این کشور پیوند خورده، به ارزیابی دلایل و ریشه‌های واقعی ناکامی دولت‌هایی که عنوان مسئولیت مبارزه با تروریسم را در افغانستان دارند، پرداخته و از فرافکنی و انحراف افکارعمومی پرهیز کنند.

همچنین در این گزارش آمده است: جمهوری اسلامی ایران همان‌گونه که بارها اعلام داشته هیچ‌گاه اختلافات خود با دیگر کشورها را به محیط داخلی افغانستان منتقل نکرده و معتقد به افزایش تلاش همگانی برای تقویت دولت افغانستان و تخفیف آلام مردم این کشور است.